

شیوه های تربیتی در سوره لقمان

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

سعیده سزاوار

چکیده

در این مقاله به شیوه های تربیتی بیان شده در سوره مبارکه لقمان پرداخته شده است تربیت یعنی

سوره مبارکه لقمان از جمله سوره هایی است که مباحث تربیتی مهمی در آن مطرح شده است که هر کدام جا دارد که به صورت مستقل مورد بحث واقع شود. در آیه ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان به اهمیت حقوق والدین اشاره شده است و اینکه یکی از مولفه هایی که بیانگر مراعات حقوق آن می باشد داشتن تواضع و احسان به والدین می باشد. در ادامه سوره لقمان به بحث نماز و دوری از تکبر و امر به معروف و نهی از منکر و اعتدال در حرکت کردن و با صدای بلند حرف نزدن پرداخته است.

کلید واژه: تربیت، شیوه

مقدمه

قرآن مقدس بزرگترین هدیه الهی برای انسان هاست که مردم را به سوی سعادت جاودانی هدایت می کند قرآن مهمترین دلیل برای حقانیت اسلام و معتبرترین سند برای اثبات احکام اسلامی است. همانطور که امیرالمومنین (علیه السلام) فرموده اند: قرآن اقیانوسی بیکرانی است که رسیدن به اعماق آن جز برای معصومین میسر نیست با این حال هم خود قرآن و هم حضرات معصومین به مردم توصیه می نمایند که در آیات قرآن تدبر کنند. در این مقاله هم نمئنه هایی از شیوه های تربیت در سوره لقمان آمده که در آیه ۱۴-۱۵-۱۷-۱۸-۱۹ به آن ها اشاره شده می پردازیم.

شیوه های تربیتی سوره لقمان

آیات تربیتی : آیه ۱۴ و ۱۵ درباره رعایت حقوق والدین یکی از مباحثی که در سوره مبارکه لقمان بیان شده است رعایت حقوق والدین می باشد چنانچه خداوند متعال در آیات دیگری از سوره های دیگر به این مهم اشاره نموده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) : وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ (۱۴) وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود ، نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت ۲ سال که طفل را از شیر باز گیرد (هر روز) بر رنج و ناتوانی اش افزوده است ، (و سفارش نمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود.(۱۴) و اگر پدر و مادرتو را بر شرک به خدا که آن را به حق نمی دانی وادار کنند در اینصورت دیگر آنان را اطاعت مکن ولیک در دنیا با آنان به حسن خلق مصاحبت کنی و از راه آن کسی که به درگاه من رجوع و انابه اش بسیار است پیروی کن که (پس از مرگ) رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمالتان آگه خواهم ساخت(۱۵)

از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود : فردی به محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد : ای رسول خدا ! به چه کسی نیک کنم ؟ فرمود به مادرت ، عرض کردم بعد به چه کسی ؟ فرمود : به مادرت باز عرض کردم به چه کسی نیکی و احسان کنم ؟ فرمود به مادرت باز عرض کرد به چه کسی نیکی و احسان کنم ؟ فرمود : به پدرت . و از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که به آن حضرت عرض شد آیا نسبت به والدین خود دعا کنم هر چند حق را نشناخته باشند؟ فرمود

: آری در حق آنان دعا کن و صدقه بده از جانب آنان هر چند هر دو زنده باشند و حق را^۱ نشناخته باشند با آنان مدارا کن چون خداوند متعال مرا پیامبر رحمت فرستاده است نه پیامبر نعمت و نعمت. در عیون اخبار الرضا آمده است که فرموده: نیکی و احسان به والدین واجب است هر چند آنان مشرک بوده باشند و آنان را اطاعتی نیست در معصیت خالق و نه غیر آنان را چون اطاعتی نیست نسبت به مخلوقی در معصیت خالق.

نیکی به والدین نموداری از معرفت خدا

در مصباح الشریعه آمده است امام صادق (علیه السلام) فرمود: نیکی به والدین از حسن معرفت بنده، نسبت به خداوند سرچشمه می گیرد چون هیچ عبادتی نیست که سریعتر به جلب رضایت خدا از حرمت و احترام والدین بوده باشد احترامی که خالصا توجه الله بوده باشد. چون حق والدین از حق الله تعالی اشتقاق دارد. البته جایی که پدر و مادر به منهای و طریقه شریعت و سنت بوده باشند و فرزند را از اطاعت خدا باز ندارند و از اطاعت خدا به معصیت او فرا نخوانند و از یقین به سوی شک دعوت نکنند و از زهد از دنیا به خلاف آن فرا نخوانند و اگر این گونه بوده باشند پس عصیان آنان بهتر از اطاعت آنان می باشد و اطاعت آنان در اینصورت معصیت است. خدای متعالی می فرماید: و ان جاهدک علی ان تشکرک بی، ما لیس لک به علم، فلا تطعهما؛ و اما در قسمت معاشرت پس با آنان با مدارد رفتار کن و به آنان مهربانی نما و آنان را تحمل کن آن مقدار که آنان در دوران کودکی تو را تحمل کرده اند و نسبت به آنان تنگ و سخت نگیر در خوردنی و پوشیدنی و صورت خود را از آنان بر مگردان! و صدای خود را بالای صدای آنان بلند

^۱ - تفسیر صافی، ص ۲۶۲.

منما چونتعظیم آنان از سوی خدای متعال توصیه شده است به آنان بهترین سخن را بگو و لطف و محبت نما ، چون خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی سازد.^۱

احسان به والدین

جایگاه والدین به قدری بلند است که در قرآن آمده : اگر والدین تلاش کردند تو را به سوی شرک گرایش دهند از آنان اطاعت نکن ولی باز هم رفتار نیکوی خود را با آنان قطع نکن. یعنی حتی در مواردی که نباید از آنان اطاعت کرد نباید آنان را ترک کرد . آری احترام به والدین از حقوق انسانی است نه از حقوق اسلامی از حقوق دائمی است نه از حقوق موسمی و موقت. در روایات می خوانیم که احسان به والدین در همه حال لازم است ، خوب باشند یا بد زنده باشند یا مرده. پیامبر را دیدند که از خواهر رضاعی خود بیش از برادر رضاعی اش احترام می گیرد دلیل آنرا پرسیدند حضرت فرمود : پون این خواهر بیشتر به والدینش احترام می گذارد . در قرآن می خوانیم که حضرت یحیی و حضرت عیسی هر دو مامور بودند به مادران خویش احترام بگذارند . پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : بعد از نماز اول وقت ، کاری بهتر از احترام به والدین نیست. در کربلا پدری را شهید کردند و فرزندش به یاری امام برخاست . امام حسین (علیه السلام) به فرزند فرمود : برگزد ، زیرا مادرت داغ شوهر دیده و شاید تحمل داغ تو را نداشته باشد . جوان گفت : مادرم مرا به میدان فرستاده است.^۲

تواضع در برابر والدین

لقمان به فرزندش می گوید در زمین متکبرانه راه نرو. و در سوره فرقان اولین نشانه ی بندگان خوب خدا حرکت متواضعانه آنهاست. یکی از اسرار نماز که در سجده آن بلندترین نقطه بدن را روی خاک می

گزاریم دوری از تکبر ، غرور و تواضع در برابر خداوند است. گرچه تواضع در برابر تمام انسان ها لازم است اما در برابر والدین ، استاد مومنان از برجسته ترین نشانه های اهل ایمان است. برخلاف تقاضای متکبران که پیشنهاد دور کردن فقرا را از انبیاء داشتند آن بزرگواران می فرمودند : ما هرگز آنان را طرد نمی کنیم . انسان ضعیف و ناتوانی که از خاک و نطفه آفریده شده و در آینده نیز مرداری بیش نخواهد بود چرا تکبر می کند؟! مگر علم محدود او با فراموشی آسیب پذیر نیست؟! مگر زیبایی ، قدرت ، شهرت و ثروت او زوال پذیر نیست؟! مگر بیماری ، فقر ، مرگ را در جامعه ندیده است؟! مگر توانایی های او نابود شدنی نیست؟! پس برای چه تکبر می کند؟! قرآن می فرماید : متکبرانه راه نروید که زمین سوراخ نمی شود ، گردن کشی نکنید که از کوه ها بلند تر نمی شوید.^۱

توصیه های لقمان درباره سفر

یکی دیگر از موضوعاتی که در سوره لقمان بیان شده توصیه های حضرت لقمان درباره سفر و مسافرت می باشد ، به نقل امام ضصادق (علیه السلام) لقمان به پسرش گفت : هرگاه با گروهی مسافرت کردی درباره کار خود و آنان مشورت کن بسیار به رویشان لبخند بزن ، از توشه ات به ایشان ببخش ، دعوتشان را بپذیر ، به یاری آنان بشتاب ، سکوت طولانی و نماز بسیار و سخاوتمندی را بیشه ی خود ساز ، به حق گواہشان باش و با بیان رای و نظر هنگام مشورت با تو برایشان بکوش ، پیش از تحقیق و اندیشه نظر قطعی نده ، مشورت را پس از نشست و برخاست و خواب و خوراک و نماز و در حالی که فکر و حکمت خود را به کار گرفتی پاسخ ده . زیرا کسی که به طور کامل خیرخواهی نکند خدا رای را از او سلب می کند و امانت را باز می ستاند. هرگاه دیدی همسفران می روند با ایشان برو و هر گاه دیدی کار می کنند با آنان کار کن . هرگاه صدقه و قرض دادند تو هم شریک آنان شو. از کسی که از تو بزرگتر است حرف

^۱ - همان ، ص ۶۶.

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷) وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

ای فرزند عزیزم ، نماز را به پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و هر آزاری بینی صبر پیشه گیر که این نشانه ای از عزم ثابت فرد در امور عالم است (۱۷) و هرگز به تکبر و ناز از مردم رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم برمدار که خدا هرگز مردم متکبر خودستا را دوست نمی دارد (۱۸) و در رفتارت میانه روی اختیار کن و سخن آرام بگو که زشت ترین صداها صوت الاغ ها است (۱۹)

نماز، نیاز به درگاه بی نیاز

پسرکم نماز را به پادار و امر به معروف نما و نهی از منکر کن و به آنچه از مصیبت ها و شدائد به تو می رسد صبر و بردباری نما این کارها از عزائم امور است و قطع و اندازۀ آن قطعه و اندازۀ ی ایجاب و الزام است. از این باب حدیثی آمده است که : خداوند دوست می دارد رخصت و مورد اجازه او اخذ شود آن چنان که دوست می دارد عزائم و واجبات او انجام پذیرد.

خداوند فرد متکبر را دوست نمی دارد

در مجمع البیان اینگونه از امام صادق (علیه السلام) آمده است : صورت و چهرۀ خود را از روی تکبر از مردم باز نگیر و به سمت دیگری میل و اعراض منما از کسی که می خواهد با تو تکلم و گفتگو کند از روی سبک شمردن او. در مجالس و فقیه از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است که آن بزرگوار نهی فرمود از اینکه فرد در مشی و گام سپردن خود تبختر و فخر فروشی نماید و فرمود : هر کس لباس نوی بپوشد و در آن تبختر نماید خداوند متعال او را در کنار دوزخ به کام دوزخ می کشاند و قرین و

مصاحب قارون در جهنم قرار می دهد چون او نخستین متبختری بود که زمین خود و خانه و امکاناتش را فرو کشید ؛ چون کسی که تبختر نماید با خدای متعال در حیروتش منازعه کرده است.

واقصد فی مشیک ؛ در راه رفتن خویش اعتدل را رعایت نما یعنی متوسط بین سرعت و کند روی (همانند مورچگان) یعنی با عجله و شتاب مرو از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود : سریع راه رفتن بهاء و اعتبار انسان را از بین می برد.

وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ : صدای خود را پایین بکش و کوتاه نما و آن را بلند بلند مکن. چونکه بدترین وحشتناک ترین صداها ، صدای الاغ ها است. در کافی از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده است که فرمود : آن عبارت از عطسه قبیح و نامطلوب می باشد. در مجمع البیان از آن بزرگوار آمده است که فرمود : صدای بلند عبارت از عطسه قبیح و زشت و بلندی است و اینکه فردی صدای خود را با گفتگوی بلند به صورت فبح آمیز بلند کند ، مگر اینکه در حال دعا یا قرائت قرآن کریم بوده باشد.^۱

چرا انسان نباید به خود ببالد و فخر کند:

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند : انسان در ابتدا نطفه ی گندیده و در پایان مرداری بیش نیست و میان آن دو حامل کثافت می باشد (بول و غایت) فرمود : گناهی که تو را غمگین کند بهتر از کار خوبی است که باعث غرور تو گردد.

آفتی نیست بُتر از رهروان را از عجب

پر طاووس بود آفت جان طاووس

^۱-صافی ، ص ۲۶۶.

حواریون به عیسی (علیه السلام) گفتند: ای معلم خوب! به ما بیاموز که سخت ترین چیزها در عالم چیست. عیسی فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند بر بندگان است. گفتند به چه وسیله می توان از خشم خداوند در امان بود؟ حضرت فرمودند: فرو بردن خشم خود. گفتند: منشا خشم چیست؟!^۱

عیسی پاسخ داد: خود بزرگ بینی، گردن کشی و تحقیر مردم.^۱

نه امر، سه نهی، هفت دلیل لقمان برای امر و نهی ها:

نه امر: ۱- نیکی به والدین. ۲- تشکر از خدا و والدین. ۳- مصاحبت همراه با نیکی به والدین. ۴- پیروی از راه مومنان و تابعان. ۵- برپاداشتن نماز. ۶- امر به معروف. ۷- نهی از منکر. ۸- اعتدال در حرکت. ۹- پایین آوردن صدا در سخن گفتن.

و اما سه نهی: ۱- نهی از شرک. ۲- نهی از روی گردانی از مردم. ۳- نهی از راه رفتن با تکبر.

و اما هفت دلیل:

- ۱- چون شکر گزاری انسان به نفع خود اوست پس شکر گزار باشید.
- ۲- چون شرک ظلم بزرگی است پس شرک نورزید.
- ۳- چون بازگشت همه به سوی اوست و باید پاسخ گو باشید چس به والدین احترام بگذارید.
- ۴- چون خداوند بر همه چیز آگاه است پس مواظب اعمال خود باشید.
- ۵- چون شکیبایی از کارهای با اهمیت است چس صابر باشید.
- ۶- چون خداوند متکبران را دوست ندارد چس تکبر نورزید.
- ۷- چون بدترین صداها، صدای بلند خران است پس صدای خود را بلند نکنید.^۱

^۱-تفسیر سوره لقمان، محسن قرائتی، ص ۶۲.

نتیجه گیری

با توجه به مطالعه پیرامون مسائل تربیتی مطرح شده در سوره مبارکه لقمان به این نتیجه می‌رسیم که یکی از مسائل مهم که در آیه ۱۴ و ۱۵ این سوره به آن اشاره شده است مسأله رعایت حقوق پدر و مادر است در این میان بزرگداشت جایگاه آنها و نیز احسان و نیکی به آنها نموداری از معرفت خدا را می‌رساند در آیات بعدی نیز لقمان (علیه السلام) به پسرش توصیه‌هایی درباره سفر نموده و نیز به اهمیت نماز و نیز دوری از تکبر و فخر فروشی اشاره نموده است که از این مباحث نتیجه می‌گیریم که انسان همواره باید با الگوگیری از قرآن و اهل بیت علیهم السلام خود را متعلق به آداب و اخلاق حسنه نماید و رذایل اخلاقی را از خود دور نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- جوادی آملی ، عبدالله، مفاتیح الحیات ، نشر اسراء ، ۱۳۹۱.
- ۲- قرائتی ، محسن ، تفسیر سوره لقمان ، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن ، ۱۳۸۲.
- ۳- عقیقی ، عبدالرحیم ، تفسیر صافی ، شایک ، ۱۳۸۶.
- ۴- موسوی ، علی ، تفسیر سوره لقمان ، نشر نسیم حیات ، ۱۳۸۵.